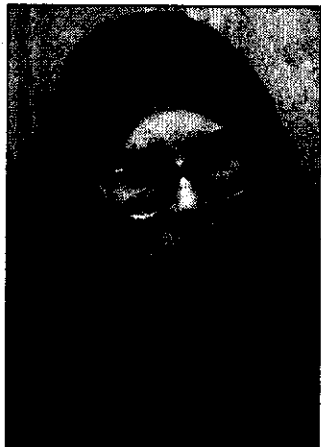


# اولین شورای شهر تهران؛ مانع تراکم و تراکم موانع

گفت و گو با دکتر صدیقه و سمدی  
سخنگوی اولین دوره شورای شهر تهران  
از سید مهدی غنی



دکتر صدیقه و سمدی

برای نام آوری استفاده می کردند. همه اینها به این دلیل بود که ما از اول بدون یک برنامه از پیش تعیین شده وارد شورا شدیم. از اول با شهرداری مسائلی داشتیم. عده‌ای واقعاً دلشان می‌خواست که کارهای مثبتی انجام شود. مسلم است که شهرداری بازوی عملی شورا است و شورا کار اجرایی نمی‌کند، بلکه تنها برنامه‌ریزی می‌کند. ضابطه تعیین می‌نماید و به وسیله مصوباتش قانون‌گذاری می‌کند. این هماهنگی باید وجود می‌داشت، ولی ما واقعاً مدت مدیدی در مقابل شهرداری بودیم و آن هم به دلیل ساختار غلط شهرداری بود. از آنجا که شهرداری یک نهاد منسجم قانونمند نیست سازمان‌ها و شرکت‌های فراوانی بی ضابطه شکل گرفته‌اند و بسیاری هم از وجود اینها سوء استفاده می‌کنند. بسیاری از این شرکت‌ها هزینه‌بر هستند، بدون این که سود چندانی به مردم برسانند. اختلاف نظرهای اعضای شورا باعث می‌شد که ما نتوانیم برای شهر فکر بکنیم و با در نظر گرفتن سود مردم، تصمیم منسجمی بگیریم تا شهرداری هم این تصمیمات را اجرا کند. ■ چگونه بود که شورا نمی‌توانست

انتخاب افراد شد، بدون این که در مورد اهداف این شورا و برنامه‌های آن بحثی شود. همه دنبال این بودند که چه کسی را وارد لیست کنند. هر گروهی تلاش می‌کرد که از گروه خودش افراد بیشتری انتخاب شوند. این حرکت‌ها نشانگر این بود که از اول خیلی سطحی به مسائل شورا نگریسته شد. در حالی که اگر از اول برای این گروه‌ها اهداف و کارکرد شورا روشن می‌شد و فکر کرده بودند که اولین شورا چه باید بکند و به دنبال آن بررسی می‌کردند که چه تیمی می‌تواند این برنامه را عملی کند، شاید پانزده نفری که وارد این شورا شدند می‌توانستند کار اساسی بکنند، ولی این اتفاق نیفتاد. زیرا برنامه‌های پانزده نفر اعضای شورا با هم نزدیک نبود. بعضی که ریشه‌ای در شهرداری داشتند و وابسته به گروه کارگزاران بودند، گاهی اهداف حزبی و گروهی را تعقیب می‌کردند و دنبال حفظ منافع و پایگاه‌های حزبی در شهرداری بودند. گروهی هم تلاش می‌کردند با آنها مقابله کنند و عده دیگری دنبال این بودند که در شهر چه اصلاحات و اقداماتی انجام شود. بعضی هم دنبال جاه‌طلبی بودند از تریبون‌های مختلف - چه شورا و چه صدا و سیما و مطبوعات

■ به نظر شما با این که اعضای شورای اول شهر تهران در آغاز کار نظرات بلند و آرزوهای بزرگی داشتند، چرا شورا دچار این تلاطم‌ها شد و نبروها نتوانستند با هم انسجام داشته باشند؟ از این گذشته، چرا شورا دچار اختلافات درونی شد؟  
□ این بحث رشته دراز و علل بسیاری دارد. یکی از دلایل بیرونی عدم انسجام اعضای شورا این بود که احزاب و تشکل‌های دوم‌خردادی، بی‌مطالعه اقدام به ارائه لیست انتخابیاتی کردند. آنها مشخص نکرده بودند که از شورا چه انتظاری دارند. اولین شورای شهر چه اهدافی را باید دنبال کند تا مشخص شود متناسب با این اهداف و برنامه‌ها چه کسانی باید وارد شورا شوند. یعنی چه تیم منسجمی وارد شورا شود که بتواند این اهداف و برنامه‌ها را عملی بکند. هیچ‌گاه برنامه‌ریزی و تفکری به عنوان پشتوانه این لیست انتخاباتی از سوی آن هجده، نوزده گروه و تشکل ارائه نشد. پیش از انتخابات نمایندگان، همه گروه‌ها در دفتر آقای کروبی جمع شدند، بعد قرار شد که هر گروه و تشکلی افرادی را معرفی کنند تا هر کس که بیش از هشت رأی داشت وارد لیست شود. چانه‌زنی‌های زیادی برای

اشاره؛ از چهار شماره پیش بررسی کارنامه دوره اول شورای شهر تهران را شروع کرده‌ایم. در شماره اول، گفت و گویی با خانم جلایی‌پور داشتیم که ایشان با نظر به کارکرد انجمن‌های شوراباری در نقاط مختلف شهر تهران، کارنامه مثبتی از این نهاد ترسیم کردند. در شماره بعد آقای دوزدوزانی که مدتی ریاست شورا را به‌عهده داشتند از ناهماهنگی و ناسازگاری‌های درون شورا پرده برداشتند و علت نافرجامی این نهاد را در همین کشمکش‌های سیاسی و جناحی جست‌وجو کردند. پس از ایشان آقای حکیمی‌پور سیزی از اختلاف نظرها و درگیری‌های درون این نهاد مردمی را بازگو کردند و انتقاداتی نسبت به برخی نیروهای عضو شورای تهران مطرح کردند. خانم دکتر صدیقه و سمدی عضو دیگر و سخنگوی وقت شورا در شماره قبل، تحلیل خود را از کارنامه این نهاد بیان کردند. بخش دوم این گفت‌وگو در این شماره از نظر خوانندگان می‌گذرد.

◆ اختلاف نظرهای اعضای شورا باعث می‌شد که ما نتوانیم برای شهر فکر بکنیم و با در نظر گرفتن سود مردم، تصمیم منسجمی بگیریم تا شهرداری هم این تصمیمات را اجرا کند

◆ املاک شهرداری بی سروسامان بود، ما تصویب کردیم که شهردار موظف است تمام املاک شهرداری را لیست کرده و به شورا بدهد، اما این لیست تا آخر شورا هم به دست ما نرسید

◆ به نظر من در اولین قدم باید ساختار شهرداری درست می‌شد و این نیازمند یک شهردار مقتدر بود. ما فشار می‌آوردیم و از شهرداری می‌خواستیم این مصوبه‌ها را اجرا کند، اما شهردار در برابر فشار بخش‌های مختلف شهرداری مقاومت کافی نمی‌کرد

این شرکت‌ها را قانونمند کند؟

□ بعضی بخش‌های شهرداری با مصوبه‌های ما مخالف بودند و زیر بار نمی‌رفتند. مثلاً چهارسال تلاش کردیم که همه شرکت‌ها بیلان و نمودار بودجه‌شان را به شورا ارائه کنند، ولی عملی نشد. قطعاً چنین طرحی به سود برخی شرکت‌ها نبود که بودجه‌شان را به شورا اعلام کنند خیلی از این شرکت‌ها به ظاهر اعلام می‌کردند که زیان‌ده هستند، ولی پذیرفتن این حرف نیاز به حسابرسی داشت. ما می‌گفتیم وقتی شرکتی زیان‌ده است و کار خدماتی خاصی هم نمی‌کند، چه ضرورتی دارد بماند؟ مواردی داشتیم که شمار اندکی اعضای هیئت‌مدیره هفتده هجده شرکت مختلف بودند. این مسائل نشان می‌داد که دست‌هایی در کار است و افرادی هستند که با سرمایه‌های مردم کارهای شخصی می‌کنند.

مورد دیگر این که املاک شهرداری بی سروسامان بود، ما تصویب کردیم که شهردار موظف است تمام املاک شهرداری را لیست کرده و به شورا بدهد، اما این لیست تا آخر شورا هم به دست ما نرسید. از همین موارد پنهان و بی حساب عده‌ای سوءاستفاده می‌کردند درحالی‌که اگر مسائل شفاف و مشخص باشد، امکان سوءاستفاده کاهش می‌یابد. این همکاری‌های لازم میان شورا و شهرداری وجود نداشت.

■ به نظر شما چه باید می‌شد؟  
□ به نظر من در اولین قدم باید ساختار شهرداری درست می‌شد و این نیازمند یک شهردار مقتدر بود. ما فشار می‌آوردیم و از شهرداری می‌خواستیم این مصوبه‌ها را اجرا کند، اما شهردار در برابر فشار بخش‌های مختلف شهرداری مقاومت کافی نمی‌کرد.

■ به نظر یکی از اعضای شورا گروه خاصی در شهرداری حاکم بود که نمی‌خواست شورا در شهرداری دخالت کند و از مسائل سر درآورد.

□ این مشکل، تنها واژه شهرداری نیست. وزارتخانه‌ها هم همین مشکل را دارند. یعنی باندها و تیم‌هایی هستند که

همبسته عمل می‌کنند. مثلاً وقتی وزیر عوض می‌شود همه تلاش می‌کنند منافعی را حفظ کنند. برنامه‌ریزی و تئانی و توطئه می‌کنند. اینها همه به دلیل این است که سیستم وجود ندارد. وضعیتی است که امکان این سوء استفاده‌ها را ایجاد کرده است. هیچ کس بر طبق ضابطه در جایگاه خودش نیست. هرکس می‌آید، عده‌ای را باخودش می‌آورد، این روش از نظر نظام اداری غلط است.

■ راه چاره چیست؟

□ من این بحث را خودم در شورا مطرح کردم که اگر می‌خواهید شهرداری منضبط شود، باید راه و روش ارتقای افراد و انتخاب مدیران اصلاح شود. یعنی کارمندان براساس صلاحیت و شایستگی‌شان ارتقا پیدا کنند و هرکس در اثر تجربه کاری و لیاقتش مدیر کل شود. شهردار هم از خود اینها انتخاب شود. با این روش هم امنیت شغلی و ثبات ایجاد می‌شود و هم این که باند بازی‌ها از بین می‌رود. همان‌طور که گفتم این فقط مشکل شهرداری نیست، همه جا همین‌طور است. اصلاً معنی ندارد که ما کسی را از جای دیگری که هیچ‌اشنایی با کار شهرداری ندارد شهردار کنیم. او هم رفقاییش را که مثلاً کاندیدای مجلس شده و رأی نیاورده و بیکار است، با خودش به شهرداری بیاورد. یا از این سو و آن سو نامه بدهند و سفارش کنند فلانی را شهردار آن منطقه کنید.

■ این پیشنهاد شما در شورا به تصویب رسید تا در شهرداری پیاده شود؟

□ کار به تصویب نکشید، ولی در جلسات خودمان با حضور شهردار این بحث‌ها را داشتیم و من چند بار هم پیشنهاد کردم که اینها را تصویب کنیم، ولی بعضی مخالفت می‌کردند. مخالفت‌ها هم انگیزه‌های مختلفی داشت. یکی از مسائلی که از ابتدای کار شورا با آن روبه‌رو شدیم این بود که پنج شش نفر از اعضای شورا می‌خواستند شهردار بشوند. هر بار که بحث انتخاب شهردار پیش می‌آمد،

پنج شش کاندیدا از داخل شورا داشتیم. این می‌توانست خیلی مسائل را دامن بزند. مثلاً اختلافات داخلی، بازی‌های سیاسی، فریب دادن همدیگر و بدبینی مردم نسبت به شورا و حتی ایجاد اختلاف بین بعضی اعضای شورا و شهردار. ■ از زاویه مثبت نیز می‌توان به این مساله، نگاه کرد. آیا فکر نمی‌کنید اگر یکی از اعضای شورا شهردار می‌شد - به دلیل ارتباطی که وجود داشت - بین دو ارگان هماهنگی بیشتری به وجود می‌آمد؟

□ نه، برای این که هر عضوی که شهردار می‌شد از شورا خارج می‌شد و هماهنگی ایجاد نمی‌کرد. او در کرسی شهرداری می‌نشست و بقیه در کرسی شورا و مسئله فرقی نمی‌کرد. آقای الویری پیش از این که شهردار بشود با اعضای شورا مشکلی نداشت. حتی خیلی از اعضای شورا با آقای الویری و آقای ملک‌منی سابقه دوستی و آشنایی داشتند. اما این سابقه مانع از این اختلافات نمی‌شد. عضو شورا هم همین وضعیت را داشت. خیلی مسائل به این تابلوم‌ها دامن می‌زند که من به بعضی اشاره کردم، بخش‌های مختلف شهرداری هم در این مسئله دخیل بودند. برای مدیران و افرادی که منافع داشتند، مهم بود که چه کسی شهردار شود. اینها علیه کسی که نمی‌خواستند شهردار شود شایعه پراکنی می‌کردند، شایعه پخش می‌کردند. گروه‌هایی را راه می‌انداختند نزد اعضای شورا و فضا سازی می‌کردند. گاه نیز به سود کسی که در نظر داشتند جو مثبت می‌ساختند و طومار تهیه می‌کردند. همه اینها حاکی از این بود که ما جو سالمی نداشتیم. اصولاً شیوه صحیحی برای انتخاب مدیران نداریم. من با شیوه کنونی انتخاب شهردار توسط شورای شهر هم مخالف هستم چون بیشتر عوامل سیاسی و اقتصادی تعیین‌کننده است و شایستگی‌های اداری و عملی در انتخاب در نظر گرفته نمی‌شوند.

■ به نظر شما شهردار با چه روشی باید انتخاب شود؟

□ هر مدیری باید از داخل سیستم خودش رشد کند تا با آن سیستم آشنا باشد و این هم نیاز به یک ساختار صحیح اداری دارد که افراد براساس صلاحیت‌ها و تجربه‌ها به صورت قانونمند ارتقا پیدا کنند. وزیر هم باید همین‌طور انتخاب شود. ما به دلیل ناآشنایی افراد با سیستمی که در رأس آن قرار می‌گیرند لطمه‌های جبران‌ناپذیری متحمل شده و می‌شویم. مشاهده می‌کنیم کسی که چند سال وزیر راه بوده، بعد وزیر کشاورزی می‌شود. یا یکی سال‌ها وزیر نیرو بوده، بعد وزیر نفت می‌شود. این تغییرات بر اساس چیست؟ چه ملاک و معیاری برای انتخاب این وزرا وجود دارد؟ به نظر من این شیوه‌ها اشتباه است و کسی هم به فکر تصحیح آن نیست. می‌گوییم بحران مدیریت داریم، ولی این بحران را چگونه باید حل کرد؟ به نظر من قانونی در مجلس باید تصویب شود تا مدیران در داخل سیستم بر اساس ضابطه ارتقا پیدا کنند و به رأس برسند. اگر استثنائاً راهی نبود بر اساس تصویب دولت بتوانند مدیری را موقتاً از بیرون بیاورند. شما می‌دانید که شهرداری چه ساختار پیچیده‌ای دارد. وقتی کسی از بیرون می‌آید بعد از چهار سال شاید بتواند با مسائل درونی شهرداری آشنا بشود. همان‌گونه که اگر از من که چهار سال در شورا بودم پرسید شهرداری چند تا شرکت دارد. نمی‌دانم چون پیچیدگی خاصی دارد.

■ گویا شما درباره سازماندهی شورا هم دیدگاه‌های خاصی داشتید. اشاره فرمودید که من اعتقاد داشتم شورا باید سازماندهی درستی داشته باشد و هر کسی در جای مناسبی قرار بگیرد. در حالی که مسئولیت‌ها انتخابی بوه و کمیسیون‌های تخصصی داشتید، شما چه نوع ترکیبی را درست می‌دانستید؟

□ پس از انتخاب شهردار این بحث پیش آمد که شورا باید ساختار خودش را تعریف کند. بعضی معتقد بودند ما باید خودمان طرحی را تهیه و تعریف کنیم و به وزارت کشور بدهیم و در

سازمان امور استخوانی و انرژی تصویب شود. اما بعضی دوستان، ساده و بی اهمیت برخورد می‌کردند. خود من ساختار شوراهای کشورهایی را که شاید صد سال است شورا دارند مطالعه و جمع بندی کردم و طرحی را پیشنهاد دادم و از آن دفاع کردم. دوستان جور دیگری به مسئله نگاه می‌کردند. در زمان آقای عبدالله نوری طرحی تهیه شد که مطابق آن رئیس شورا در رأس اداری شورا قرار می‌گرفت، یعنی کارش فقط اداره پرسنل شورا بود. من از ابتدا با این طرح مخالف بودم. کار رئیس شورا اداری نیست. کارهای اداری را می‌شود با استخدام چند کارمند انجام داد. کار که شروع شد، بعضی اعضای شورا هم داوطلب شدند و مدیریت بخش‌های داخلی شورا را به عهده گرفتند. به نظر من از اول این کار اشتباه بود. من خودم داوطلب نشدم و مخالفت هم کردم. چون معتقد بودم وظیفه عضو شورا فراتر از این حرف‌هاست. نباید خودش را مشغول مدیریت سطح پایین اداری کند. اعضای شورا باید طرح و برنامه بدهند، بر کار شهرداری نظارت کنند، مشکلات شهری را شناسایی کنند و برای آنها راه حل پیدا کنند. ولی این اشتباه انجام شد و کم‌کم اعضای شورا به این اشتباه پی بردند. تا این‌که در زمان ریاست آقای خسروی در شورا تصویب شد که ساختاری براساس مطالعات علمی برای شورا تعریف شود و مرا هم مسئول این کار کردند. من هم تیمی را معرفی کردم و با آنها قرارداد بسته شد. قرار شد آنها بررسی کنند و ساختار پیشنهادی خود را ارائه دهند. آن ساختار تعریف و ارائه شد، ولی وظیفه رئیس شورا بود که آن را دنبال کند و با جاهای دیگر هماهنگ کند. من اطلاع ندارم که به کجا رسید.

■ آن ساختار پیشنهادی ضابطه تقسیم مسئولیت‌ها چه بود و با این شکل کنونی چه تفاوتی داشت؟

□ وظایف اعضای شورا طبق قانون مشخص شده است. شورا همانند مجلس،

کمیسیون‌هایی دارد که این کمیسیون‌ها تشکیل شده بود. ولی بخش‌های انرژی مثل دبیرخانه نباید وقت اعضای شورا را تلف می‌کرد. در بخش‌های کارشناسی و علمی باید اعضای شورا دخالت داشته باشند و کمیسیون‌ها از اعضای شورا تشکیل شوند. من معتقد بودم که شورا باید با روی کارشناسی و علمی بسیار توانایی به عنوان مشاور داشته باشد که در کنار کمیسیون‌ها به اعضای شورا مشاوره بدهند، ولی این اتفاق نیفتاد. هدف از تشکیل گروه‌های تخصصی هم این بود که در کنار اعضای شورا به آنها مشاوره بدهند. آقای اصغرزاده یک گروه تخصصی در باغ فردوس تشکیل داد که نه اعضای شورا با اینها ارتباط داشتند و نه مشاوره‌ای از اینها گرفتند. من سخنگوی شورا بودم و پیشنهاد دادم که سخنگوی شورا باید مدیر روابط عمومی هم باشد و اگر اعضای شورا کسی را به عنوان سخنگو انتخاب کردند و به او اجازه دادند زیر نظر اعضای شورا مسائل را منعکس کند، باید مسئول روابط عمومی هم باشد، که این را اعضا پذیرفتند. ما بیانیه‌ها را اعلام می‌کردیم و اگر مصاحبه‌ای بود ترتیب می‌دادیم. مصوبت را چاپ می‌کردیم و بایگانی کردن اسناد و نگهداری آنها را سامان می‌بخشیدیم.

■ بنابراین یکی از اشکالات کار، مشکل ساختاری و ضوابط و معیار تقسیم مسئولیت‌ها بود چه در شهرداری و چه در شورا. اما ضابطه‌ای که شما درباره انتخاب شهردار می‌فرمایید، تا اندازه‌ای فریاده انتخاب آقای ملک مدنی رعایت شد. ایشان با توجه به تجربه‌ای که در شهرداری داشتند شایستگی اداری برای احراز این پست را دارا بود. چطور باز شورا با ایشان هم مشکل داشت؟

□ به عقیده من گذاشتن ایشان با شورا هماهنگ شود. درباره ایشان کاملاً معتقدم توطئه شد. اگر به روند انتخاب ایشان برگردیم، مشاهده می‌کنیم آقای ملک مدنی با دوازده رأی انتخاب شد. بحث‌های مفصلی در این مورد داشتیم. بعضی از اعضای شورا مایل بودند خودشان شهردار

◆ برای مدیران و افرادی که منافع داشتند، مهم بود که چه کسی شهردار شود. اینها علیه کسی که نمی‌خواستند شهردار شود شایعه پراکنی می‌کردند، شبانه پخش می‌کردند. گروه‌هایی را راه می‌انداختند نزد اعضای شورا و فضا سازی می‌کردند. گاه نیز به سود کسی که در نظر داشتند جو مثبت می‌ساختند و طومار تهیه می‌کردند

◆ من با شیوه کنونی انتخاب شهردار توسط شورای شهر هم مخالف هستم. چون بیشتر عوامل سیاسی و اقتصادی تعیین کننده است و شایستگی‌های اداری و عملی در انتخاب در نظر گرفته نمی‌شوند

◆ در زمان آقای عبدالله نوری طرحی تهیه شد که مطابق آن رئیس شورا در رأس اداری شورا قرار می‌گرفت، یعنی کارش فقط اداره پرسنل شورا بود. من از ابتدا با این طرح مخالف بودم. کار رئیس شورا اداری نیست. کارهای اداری را می‌شود با استخدام چند کارمند انجام داد

این عده به خاطر این به آقای ملک رأی دادند که آقای الویری را از سر راه بردارند و آن گاه تلاش کنند تا با فشار زیاد، ملک مدنی هم نتواند بیاید. آنها امیدوار بودند که ملک مدنی در چنین شرایطی قهر کند و نیاید و خلئی که در پی آن بودند فراهم شود

نکته جالب این است که کسانی هم که با آقای ملک مدنی به دلیل توقف فروش تراکم شروع به مخالفت کردند، قبلاً پشت تریبون می گفتند چرا شهرداری تراکم می فروشد؟ من صریحاً می گویم وقتی که فروش تراکم به طور جدی متوقف شد، برخی از اعضای شورا خودشان تراکم می خواستند. عده زیادی در بیرون هم دنبال خرید تراکم بودند و بدیهی بود که اینها همه سراغ ملک مدنی می آمدند

شوند و تلاش می کردند با ایجاد خلأ در شهرداری این زمینه را فراهم کنند، یعنی تلاش می کردند که آقای الویری را بردارند بدون این که شهردار بعدی تعیین بشود. سپس با تبلیغات و فشار به شورا کسی را که خودشان مایل اند به کرسی بنشانند. ما که به این مسئله آگاهی داشتیم، مخالفت کردیم و گفتیم تا شهردار بعدی تعیین نشود آقای الویری نباید برود. بهمین جهت در جلساتی، رأی گیری های استمزاجی داشتیم و در تمام این رأی گیری ها ملک مدنی رأی آورد. بعداً متوجه شدیم که بعضی از دوستان برای ظاهرسازی همکاری کردند. بعد از چند بار رأی گیری استمزاجی قرار شد که اعلام استعفای آقای الویری و انتخاب شهردار جدید در یک جلسه انجام شود تا اجازه داده نشود از این خلأ سوءاستفاده کنند. بعضی تأکید داشتند که این اتفاق نیفتد و شهرداری برای چند ماه سرپرست داشته باشد. ما با این مسئله مخالف بودیم. روزی که قرار بود این کار انجام شود، آقای ملک مدنی با دوازده رأی از سیزده رأی انتخاب شد و استعفای آقای الویری هم اعلام شد. از همان جا دیدیم که گروه مخالف آقای ملک مدنی - که خودشان هم به ایشان رأی داده بودند - اصرار کردند که امروز انتخاب ایشان برای شهرداری اعلام نشود. ما هم گفتیم اگر این طور است استعفای آقای الویری هم اعلام نشود. ولی دیدیم که آنها به سرعت، مصاحبه کردند و استعفای آقای الویری را اعلام کردند و استعفا زوی تلکس رفت و فشار زیادی به رئیس شورا آقای عطریان فر آوردند که نباید اعلام شود آقای ملک مدنی شهردار شده است. از اینجا ما فهمیدیم چرا در روزنامه هایی که در اختیار این افراد بود تبلیغات علیه آقای ملک مدنی شروع شد. این عده به خاطر این به آقای ملک رأی دادند که آقای الویری را از سر راه بردارند و آن گاه تلاش کنند تا با فشار زیاد، ملک مدنی هم نتواند بیاید. آنها امیدوار بودند که ملک مدنی در چنین شرایطی قهر کند و نیاید و خلئی که در پی آن بودند فراهم شود. ما هم فشار می آوردیم که باید اعلام شود

آقای ملک مدنی شهردار شده است و این اتفاق افتاد. اما آنها چون با این هدف آمده بودند مخالفتشان را به همان ترتیب ادامه دادند و نگذاشتند شهردار با آرامش به کارش ادامه دهد. روابط را با آقای ملک مدنی تیره کردند تا مسئله تراکم پیش آمد. تراکم از بحث هایی است که از آغاز کار شورا مطرح بود. وزیر مسکن یک بار به شورا آمد و اعتراض کرد که "چرا این قدر تراکم می فروشید؟" کارشناسان مسکن و شهرداری هم می گفتند نباید تراکم فروخته شود. همه کارشناسان هم مخالف فروش تراکم به آن شکل بودند. نکته جالب این است که کسانی هم که با آقای ملک مدنی به دلیل توقف فروش تراکم شروع به مخالفت کردند، قبلاً پشت تریبون می گفتند چرا شهرداری تراکم می فروشد؟ من صریحاً می گویم وقتی که فروش تراکم به طور جدی متوقف شد، برخی از اعضای شورا خودشان تراکم می خواستند. عده زیادی در بیرون هم دنبال خرید تراکم بودند و بدیهی بود که اینها همه سراغ ملک مدنی می آمدند. وقتی افرادی منافع خودشان را به منافع یک شهر و یک کشور ترجیح بدهند طبیعی است که مخالفت می کنند. گرچه از آن قضایا حدود ۲ سال گذشته است، اما شواهد و قرائنی به دستم نیامده که غیر از این تحلیل را ثابت کند. کسانی که به دنبال تهیه تراکم و منافع شخصی خود بودند، دست به دست هم دادند و به وزارت کشور هم فشار آوردند و ملک مدنی را از سر راه برداشتند. در چنین شرایطی بدیهی است که شهردار نمی تواند کار زیادی بکند. اگر هم کاری بکند تحت الشعاع این جریان ها قرار می گیرد. شما اشاره کردید که ما برنامه هایی مثل حسابرسی از شرکت ها داشتیم، اما شهرداری زیر بار نمی رفت. سوال من این است که آیا شورا نمی توانست در برهه ای از زمان مسائل را با مردم در میان بگذارد و از فشار افکار عمومی استفاده کند تا حرف خودش را پیش

ببرد؟ چرا شورا گزارشی به مردم نداد تا جایی که به انحلال کشیده شد و مردم از طریق تلویزیون آن هم به آن صورت از قضیه آگاه شدند؟ این هم چند دلیل داشت. توجه داشته باشید که شش سال گذشته از بحرانی ترین دوره های تاریخ معاصر ما بوده است. زمانی شورا وارد صحنه شد که هر روز یک بحران سیاسی در کشور ما به وجود می آمد. ۹ اردیبهشت ۷۸ شورا افتتاح شد، ۱۸ تیر ۷۸ آن فاجعه در کوی دانشگاه به وجود آمد، ۲۳ اسفند ۷۸ حجازیان ترور شد و در این فاصله هم مسئله سازمان فرهنگی - هنری شهرداری پیش آمد و کشمکش هایی که در شهرداری داشتیم. جامعه ما چقدر ظرفیت داشت که مسائل شورای شهر تهران را نیز مطرح کنیم و توقع داشته باشیم که مردم به کمک ما بیایند؟ هر لحظه در بحران بودیم. چقدر و کدام یک از اینها را با مردم در میان می گذاشتیم؟ از کدام تریبون؟ و مردم چقدر می توانستند به ما کمک کنند؟ مردم به ما کمک می کردند یا به دولت؟ آن قدر در فشار بودیم که خیلی وقت ها من به عنوان سخنگوی شورا زمینه مساعدی نمی یافتم که مسائل را برای مردم مطرح کنم. یعنی احساس می کردم هر چه بیشتر مشکلات را به مردم بگویم خاطر آنها را مشوش می کنیم و این در حالی بود که مردم هم نمی توانستند به ما کمک کنند، یعنی وقتی بحران های بزرگتری در کشور وجود داشت که دولت درگیر آنها بود، باید از پتانسیل مردم برای کمک به دولت استفاده می شد. نه کمک به شورای شهر تهران. من مخالف بودم با این که خیلی از مسائل به بیرون کشیده شود، ولی متأسفانه خیلی ها از تریبون صدا و سیما و مطبوعات این کار را می کردند و مخالفان اصلاحات هم به این وسیله می خواستند شورا را ناکارآمد نشان دهند. مجموع این قضایا به زیان کشور بود و این کوتاه فکری ها و ترجیح منافع فردی و گروهی به منافع کشور به این مسائل منتهی شد. مسئله دیگر مطبوعات بودند. در میان مطبوعات دوم خردادی چندین گزارش



وجود داشته، هر کدام از اعضای شورا در یکی از این نشریات نفوذ داشتند و تلاش می‌کردند که دیدگاه خاص خودشان را به مردم تلقین کنند و همه هم زیر چتر جنبش دوم خرداد بودند.

اعلام بعضی از مسائل به تنش بیشتر شورا و شهرداری دامن می‌زد. من همیشه شیوه ایجاد آشوب و جوسازی و سیاسی کردن قضیه و ایجلا تنش را به زیان کشور می‌دانستم. معتقد بودم ما به عنوان اولین شورا باید یکی دو کار رابرای خودمان تعریف کنیم و با آرامش این کارها را انجام دهیم. یکی از این کارها تعیین دوباره ساختار شهرداری بود و باید به بودجه شهرداری سازمان می‌دادیم و تصمیم‌گیری در مورد مسئله تراکم و مسائل اساسی شهر و سازماندهی خود شورا هم از مسائل اصلی به‌شمار می‌رفت و ما اگر همین چند تا کار را انجام می‌دادیم خیلی مهم بود.

■ چرا در شورا کار پیش نمی‌رفت و چرا اختلافات به اینجا رسید؟ بعضی به آقای خاتمی ایراد می‌گرفتند که چرا ایشان به مردم گزارش نمی‌دهند و مسائل و مشکلات و موانع را به مردم نمی‌گویند. بعضی می‌گویند ایشان باید هفته‌ای یک بار یا ماهی یک بار به مردم گزارش کار می‌داد. به نظر می‌رسد همین ایراد بر شورای شهر هم وارد باشد.

□ من می‌خواستم این کار را بکنم ولی با مشکلاتی که گفتم روبرو بودم.

■ توضیحاتی که می‌فرمایید درست است ولی مردم چگونه باید مطلع بشوند در شورای که انتخاب کرده‌اند چه می‌کنند؟

□ این نقص هست اما ما نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که یک بخش بسیار منسجم و منظم باشد در حالی که بخش‌های دیگر آشفته است. آشفته‌گی‌ها همه به هم سرایت می‌کند. شورا نیاز به یک ارگان رسمی داشت. ما از همان روزهای اول بسیار تلاش کردیم که روزنامه همشهری ارگان شورا شود تا گزارش‌هایی که باید به طور رسمی و قانونی به مردم اعلام کنیم از آن طریق به گوش مردم برسد.

ولی این امکان فراهم نشد. مقاومت‌های نامعقولی در برابر این کار صورت گرفت. بعد هم مجلس پنجم تصویب کرد روزنامه همشهری زیر نظر سازمان فرهنگی - هنری باشد. به نظر من این از هم‌گسیختگی‌ها و بی‌نظمی‌ها در جامعه ما مانع پیشرفت کارها شد. این افکار در جامعه ما وجود دارد که در داخل عده‌ای دشمن‌دیگری هستند. یعنی همه نمی‌خواهند با همکاری هم این شکاف‌ها را پر کنند. حتی گاهی نهادهای قانون‌گذاری مثل مجلس که باید منافع عمومی را در نظر بگیرد و به پر شدن شکاف‌ها بپردازد خود جناحی تصمیم می‌گیرد. پیگیری همه این موارد به تنش و درگیری بین اعضای شورا می‌انجامید. ما خیلی در تنگنا بودیم، چون این انسجام فکری وجود نداشت که همه به طور جدی روی خواسته‌های شخصی و گروهی خودشان پا بگذارند. نشریات هم ملزم نبودند که مطالب ما را چاپ کنند. آنها سلیقه‌ای عمل می‌کردند و هر کدام به فراخور گرایش‌های سیاسی خود خبرنگارهای تازه‌کار را به شورا می‌فرستادند که از بحث‌های تخصصی چیزی متوجه نمی‌شدند و فقط به تنش‌های سیاسی توجه می‌کردند. اگر ما می‌خواستیم حرف‌هایمان را به اطلاع عموم برسانیم باید هزینه می‌کردیم و روزنامه‌ی دیگری راه می‌افتادیم. صلوسنیما هم سیاسی عمل می‌کرد، چنانچه با من که سخنگوی شورا بودم یک بار هم برنامه مستقیم و زنده ترتیب نداد. زمانی که بعضی اعضای شورا را هر روز دعوت می‌کردند و به این تنش‌ها دامن می‌زدند، من اعلام کردم که به عنوان سخنگوی شورا آملاگی دارم که در برنامه مستقیم تلویزیون حضور پیدا کنم و مسائل را برای مردم توضیح دهم، ولی اجازه ندادند.

■ شما گرچه سخنگوی رسمی شورا بودید، ولی گاه مشاهده می‌شد بعضی از مسائل را پیش از این که مطرح کنید اعضای شورا مطرح می‌کردند. آیا به این موارد اعتراضی نمی‌شد؟

□ خیلی اعتراض می‌شد. گاهی مشکلات

بزرگتری داشتیم که همه متعهد می‌شدند که مطالب یادشده در آن جلسه محرمانه باشد و خبری از جلسه بیرون نرود، ولی بلافاصله می‌دیدیم که مطالب جلسه چاپ شده است. این مسائل تنش‌آفرین بود. بعد اگر اعتراض می‌کردیم که فلان کس این کار را کرده، جنجال بزرگ‌تری ایجاد می‌شد. کسانی که تعهد اخلاقی ندارند، به راحتی خیلی مسائل اخلاقی دیگر را کنار می‌گذارند. علیه دیگران به شایعه‌سازی، دروغ‌گویی و تهمت و افترا متوسل می‌شوند. همین‌ها خبرهای محرمانه را به راحتی بیرون می‌دادند. مطبوعاتی هم که اسمشان دوم خردادی بود، نمی‌دانستند با اولین شورا چگونه باید برخورد کنند تا این تجربه آسیب نبینند و با چنین افرادی، همراهی می‌کردند. خیلی وقت‌ها جلوتر از من می‌رفتند مسائل خلاف واقعی را مطرح می‌کردند که من به‌عنوان سخنگو نتوانم مسائل واقعی را مطرح کنم. من هر موقع که ضروری بود مصاحبه مطبوعاتی می‌گذاشتم، ولی باز هم مطبوعات درست عمل نمی‌کردند و خیلی وقت‌ها مصاحبه‌های مرا چاپ نمی‌کردند و این باعث تأسف بود. حتی من مصاحبه‌ای داشتم که هیچ کدامشان چاپ نکردند. شاید مردم فکر می‌کردند ما تلاش نمی‌کنیم، ولی این طور نبود.

■ برخی دوستان برآنند که از بیرون به آقای عبدالله نوری فشار آوردند و وعده‌هایی دادند و ایشان برآن اساس استعفا کرد که وارد مجلس شود. نظر شما در این مورد چیست؟

□ بعید است علت رفتن ایشان فشار بیرونی باشد. تمایل خود ایشان بود که وجودش در جای دیگر مفیدتر است. شاید با آقای هاشمی مطرح کرده و نظر مشورتی از ایشان گرفته باشد. آقای نوری با من هم مشورت کردند و من به ایشان گفتم خوشبین نیستم که به شما میدان بدهند. از ایشان پرسیدم فکر می‌کنید اجازه می‌دهند شما وارد مجلس شوید؟ ایشان دیدگاه خوشبینانه‌ی نسبت به این مسئله داشت. این مسئله هم که اگر ایشان



آن قدر در فشار بودیم که خیلی وقت‌ها من به عنوان سخنگوی شورا زمینه مساعدی نمی‌یافتم که مسائل را برای مردم مطرح کنم. یعنی احساس می‌کردم هر چه بیشتر مشکلات را به مردم بگویم خاطر آنها را مشوش می‌کنیم و این در حالی بود که مردم هم نمی‌توانستند به ما کمک کنند، یعنی وقتی بحران‌های بزرگتری در کشور وجود داشت که دولت درگیر آنها بود، باید از پتانسیل مردم برای کمک به دولت استفاده می‌شد، نه کمک به شورای شهر تهران



معتقد بودم ما به عنوان اولین شورا باید یکی دو کار رابرای خودمان تعریف کنیم و با آرامش این کارها را انجام دهیم. یکی از این کارها تعیین دوباره ساختار شهرداری بود و باید به بودجه شهرداری سازمان می‌دادیم و تصمیم‌گیری در مورد مسئله تراکم و مسائل اساسی شهر و سازماندهی خود شورا هم از مسائل اصلی به‌شمار می‌رفت و ما اگر همین چند تا کار را انجام می‌دادیم خیلی مهم بود



می‌ماند، وضع شورا بهتر می‌شد جای تأمل دارد: من فکر نمی‌کنم که حضور ایشان نیز می‌توانست کمکی به وضع شورا بکند.

■ **استعفای آقای دوزدوزانی هم یکی از مسائل مبهم شورا است. ایشان رهنامه‌ای در انتقاد از رفتار برخی اعضا نوشته بودند، ولی در جلسه شورا به عنوان استعفای ایشان تلقی شده و اعلام می‌شود.**

□ آن موقع من در ایران نبودم، بعد که آمدم، متنی که ایشان نوشته بود مورد بحث قرار گرفت. در جلسه‌ای که خود آقای دوزدوزانی هم بودند از من پرسیدند برداشت تو به‌عنوان یک شاعر و کسی که با ادبیات آشنایی دارد از این متن چیست؟ من گفتم این متن می‌تواند استعفانامه تلقی شود، به دلیل این که ایشان سلسله شرایطی را در متن ذکر کرده و در جمله پایانی نوشته بودند اگر اعضای شورا این شرایط را نپذیرند، همین نامه استعفانامه من خواهد بود. معنی این جمله خیلی صریح و روشن این بود که اگر شرط‌های مرا نپذیرفتید، من در همین نامه استعفا می‌دهم، یعنی استعفانامه جداگانه‌ای غیر از این نخواهم داد. اعضای شورا درباره شرایط ذکر شده بحث کردند. سرانجام شرایط را نپذیرفتند و نامه را هم استعفای ایشان تلقی کردند و استعفا را هم رأی دادند و پذیرفتند و رئیس بعدی انتخاب شد.

■ شما درباره انحلال شورا چه تحلیلی دارید؟ آیا نمی‌شد که شورا چنین پایان ناخوشایندی نداشته باشد؟

□ به عقیده من انحلال شورای تهران، تبتانی بود. ما به وزارت کشور رفتیم و بحث کردیم، گفتند وزیر هم نظرش این است که بحث انحلال، در شورای حل اختلاف مطرح نشود. رئیس دفتر وزیر به ما گفت که وزیر کشور به معاونش گفته است انحلال را در شورای حل اختلاف مطرح نکنید. اما از قضا مطرح، تصویب و اعلام شد. این تناقض‌گویی‌ها نشان

می‌دهد که کاسه‌ای زیر نیم کاسه بوده است. بعداً با بعضی اعضای شورای حل اختلاف صحبت کردیم که چرا چنین حکمی دادید؟ گفتند: به ما گفته‌اند نظر

وزیر کشور و رئیس‌جمهور است. یک عده می‌گفتند ما خبر نداریم. به نظر من ریشه‌اش مسئله تراکم بوده است. بعضی افراد صاحب نفوذ در کار ساخت و ساز بودند و نیاز به تراکم داشتند. دست در دست هم دادند و آقای ملک مدنی را برداشتند تا مشکل خودشان را حل کنند. چون اکثریت شورا با برداشتن ملک مدنی مخالف بودند و تا زمانی هم که شورا برپا بود امکان برداشتن ملک مدنی وجود نداشت، بنابراین تنها راه را در این دیدند که شورا را منحل کنند. وقتی شورا را منحل کردند، بلافاصله ملک مدنی را عزل کردند. اگر ما قبول می‌کردیم که ملک مدنی را برداریم، شورا منحل نمی‌شد. روال قانونی این بود که شهردار را استیضاح کنند. ما گفتیم بیایید استیضاح کنید. ولی اینها دلیلی برای استیضاح نداشتند. تنها مشکلی که داشتند این بود که ملک مدنی یکباره جلوی فروش تراکم را گرفت. ما گفتیم همین را به عنوان موضوع استیضاح مطرح کنید، ولی قبول نمی‌کردند. برای این که باید در جلسه علنی از فروش بی‌ضابطه تراکم دفاع می‌کردند و این خلاف تمام حرف‌هایی بود که در سه سال گذشته زده بودند. انحلال شورا پلی شد برای برداشتن ملک مدنی و این که به عده‌ای تراکم بفروشند.

■ بنابراین شورا در مقابل دو راهی قرار گرفته بود که باید یکی را انتخاب می‌کرد. یکی باقی ماندن شورا و تن دادن به خواسته‌های تراکم خواهان و یا انحلال شورا. شما فکر می‌کنید انتخاب اعضای شورا در این مورد درست بود؟ یک دیدگاه معتقد بود جلوی سوءاستفاده‌ها را نمی‌شود در مقطع خودش گرفت، ولی انحلال شورا به کل شورا و اعتماد عمومی ضربه می‌زد. بنابراین باقی ماندن شورا

مهم‌تر بود. دیگری معتقد بود باید روی اصول پافشاری کنیم حتی اگر شورا منحل شود. به نظر شما کدام یک از دو دیدگاه در آن مقطع درست بود؟

□ من شخصاً مخالف بودم که شورا به هر قیمتی بماند. برای این که پذیرفتن و زیر بار خواسته‌های آنها رفتن، خلاف اصول و خلاف اخلاق بود. این همان راهی است که قرن‌ها پیش به حضرت علی پیشنهاد شد که به اطرافیان چیزی بده که صدایشان خاموش شود تا بتوانی آن عدالتی را که می‌خواهی در جامعه تحقق دهی. ولی حضرت علی گفت: "من حقیقت و عدالت را به هیچ مصلحتی نمی‌فروشم" یعنی نمی‌شود کار درست را با کزروی انجام داد. من اعتقاد دارم شورا برای این است که کارها را به این وسیله درست کنیم، یعنی خود شورا اصل نیست، حکومت اسلامی اصل نیست، عدالت و اسلام اصل است. اگر روزی عدالت و اسلام را قربانی کردیم برای این که حکومت اسلامی را حفظ کنیم، دچار بزرگ‌ترین بلا شده‌ایم. آن دوستان گفتند رأی بدهیم که ملک مدنی صلاحیت شهردار شدن را ندارد و شهردار بعدی را انتخاب کنیم، من قبول نکردم برای این که نمی‌خواستم وسیله مطامع نامشروع دیگران شوم.

■ از این که وقت خود را در اختیار نشریه چشم‌انداز ایران گذاشتید، سپاسگزاریم.

◆ گاهی مشکلات بزرگ‌تری داشتیم که همه متعهد می‌شدند که مطالب یاد شده در آن جلسه محرمانه باشد و خبری از جلسه بیرون نرود، ولی بلافاصله می‌دیدیم که مطالب جلسه چاپ شده است. این مسائل تنش آفرین بود. بعد اگر اعتراض می‌کردیم که فلان کس این کار را کرده، جنجال بزرگ‌تری ایجاد می‌شد

◆ خود شورا اصل نیست، حکومت اسلامی اصل نیست، عدالت و اسلام اصل است. اگر روزی عدالت و اسلام را قربانی کردیم برای این که حکومت اسلامی را حفظ کنیم، دچار بزرگ‌ترین بلا شده‌ایم



# انجمن حمایت و یاری آسیب دیدگان اجتماعی

شماره ثبت: ۱۱۲۰۱

## بسمه تعالی

روز ۵ دی ماه کشور ایران شاهد فاجعه عظیم انسانی در شهرستان بم بود که در پی زلزله به وقوع پیوست. این زلزله با توجه به عمق و وسعت بسیارش تبدیل به یک فاجعه ملی شد. گرچه بم رنگ غم گرفته بود، اما توجه همه ایرانیان و جهانیان را به خود معطوف داشت تا دوباره زندگی را در زیر سایه های نخل احیا کند. در این زلزله مشابه دیگر زلزله ها، کودکان و نوجوانان جزو آسیب پذیرترین قشر بودند.

طبق آخرین آمار ارائه شده، در این زلزله حدود ۵ هزار کودک، یتیم و بی سرپرست شدند که از این تعداد، نیمی هر دو والدین و نیمی دیگر، یکی از والدین خود را از دست داده اند. انجمن حمایت و یاری آسیب دیدگان اجتماعی (احیای ارزش ها) در قالب ستاد احیا به یاری هموطنان زلزله زده خود شتافت. از همان ماه های اول پس از حادثه، برنامه منظمی را برای شناسایی و تحت پوشش قرار دادن کودکان یتیم آغاز نمود. در حال حاضر به دلیل تعداد زیاد کودکان یتیم، این انجمن برای ادامه راه، نیاز به حمایت بیش از پیش شما هموطنان عزیز دارد. به همین دلیل دست یاری به سوی شما دراز می نماید.

کسانی که تمایل دارند به طور مستمر، کودکانی را تحت حمایت خود قرار دهند، می توانند با شماره تلفن های ۶۹۲۱۳۷۲ و ۶۹۳۵۵۳۳ به نشانی تهران، میدان انقلاب، کارگر شمالی، بالاتر از چهارراه فرصت، کوچه جواهری، شماره ۴ تماس حاصل نمایند.

پیشاپیش دست های شما را به گرمی می فشاریم و اقدام انسان دوستانه شما را ارج می نهیم.

عضو هیئت مدیره  
انجمن حمایت و یاری آسیب دیدگان اجتماعی  
فاطمه فرهنگ خواه

## انتشارات امید فردا منتشر کرد

مجموعه آثار صادق هدایت

زندگی سیاسی ابراهیم حکیمی

عسای موسی یا نقدی بر نقدها

تاریخچه انقلابات جهان (جلد اول)

انقلاب فرانسه - انقلاب عثمانی

سنت برده جنگ خلیج فارس

سکوتی جدید بر شمار و روزه مسافران

ادرس نشانی: تهران - میدان انقلاب - اندای خیابان آزادی - اندای حیابان جمالزاده جنوبی - کوچه داسر - پلاک ۳۲ (ساختمان افاق) - طبقه همکف - واحد ۲

تلفن: ۶۹۱۷۴۴۹ - ۶۹۴۹۶۲۶ تلفکس: ۶۹۱۵۵۶۸ همداد: ۰۸۷۴۲۸۰۹ - ۰۹۱۲۳۵۷۲